صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

جامعه پدیا

#وفاق ملی

وفاق ملی یکی از ملزومات حفظ انسجام و وحدت جامعه است که البته به‌عنوان شعار اصلی دولت چهاردهم هم مورد تأکید قرار دارد؛ امر مهمی که سازمان بهزیستی برای تحقق آن در حوزه اجتماعی آستین بالا زده و با توجه به اینکه تامین سلامت اجتماعی براساس قوانین دائمی دولت بر عهده این سازمان است، قرار شده آن را با اجرای طرح سلامت اجتماعی‌محور، محقق کند. سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی معتقد است با محله‌محوری می‌توان سلامت اجتماعی و وفاق ملی را ارتقاء داد. او گفته، به‌همین منظور ما اجرای طرح سلامت اجتماعی‌محور را در منطقه ۴ تهران به‌صورت پایلوت آغاز می‌کنیم؛ طرحی که استفاده از ظرفیت‌های دستگاه‌های دولتی، استقرار سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات و تامین نیروی انسانی و منابع تشکیلاتی از محله‌ها از ارکان آن و قرار است برای اجرای هرچه بهتر آن از ظرفیت‌های خالی محلی مانند ظرفیت مدارس یا مساجد، پایگاه‌های بسیج، سراهای معلم، خانه‌های بهداشت، خانه‌های هلال و خانه‌های امید (مربوط به انجمن اتیسم) استفاده شود.

خبرخوان

سردار حسن مؤمنی، جانشین پلیس راهور فراجا گفته با شروع طرح ترافیکی اربعین از ۴ مرداد بیش از **۲۲ هزار نیروی انسانی** از پلیس راه و دستگاه‌های همکار به‌کار گرفته شده‌اند.

رئیس سازمان حج و زیارت یک خبر خوب برای زوج‌های جوان داده و گفته زوج‌های جوانی که امسال عقد کنند می‌توانند **بدون نیاز به تهیه فیش عمره و خارج از نوبت** تا پایان سال به این سفر مشرف شوند. به‌گفته علیرضا بیات، دستورالعمل نحوه ثبت‌نام زوجین تا یکشنبه ۱۲ مرداد روی پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان حج و زیارت منتشر می‌شود.

مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران اعلام کرده که رفع کامل کمبود فضای آموزشی و افزایش سرانه آموزشی با هدف تامین نیاز جمعیت شهر تهران، مستلزم **احداث ۶ تا ۷ هزار کلاس درس جدید** در مناطق پایتخت است. به‌گفته مجید پارسا، همزمان با سال تحصیلی جدید بهره‌برداری از ۳۳۰ کلاس درس در قالب ۲۲ مدرسه در مناطق مختلف شهر تهران آغاز می‌شود.

اصل و شرح

۵ هزار و ۷۴۴ کارگر مشغول کار شدند

سال ۱۴۰۴ از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان سال سرمایه‌گذاری برای تولید نامگذاری شد. قرار شد همه قوا به دور از هرگونه شعار و سخنان کلیشه‌ای، کاری مفید و مؤثر را برای روشن نگه داشتن بخش تولید، رفاه اجتماعی و اقتصادی کارگران انجام دهند؛ مثل کاری که حالا با احیای ۵۱۰ واحد تولیدی و ایجاد اشتغال برای ۵ هزار و ۷۴۴ نفر در تهران از سوی دادگستری پایتخت صورت گرفته است. علی القاصی، رئیس دادگستری استان تهران گفته: به‌منظور حمایت از واحدهای تولیدی در دبیرخانه ستاد اقتصاد مقاومتی استان ۲۲۴ پرونده حمایتی تشکیل و تعداد ۲ هزار و ۱۴۵ نامه نیز به‌منظور حل مشکلات واحدهای تولیدی از ستاد اقتصاد مقاومتی صادر شده و با پیگیری‌های دادگستری استان و در راستای حمایت حقوقی و قضایی از واحدهای تولیدی، از خلع ید غیرضروری ۳۴ واحد تولیدی مستقر در شهرک صنعتی قرچک جلوگیری به عمل آمده است.

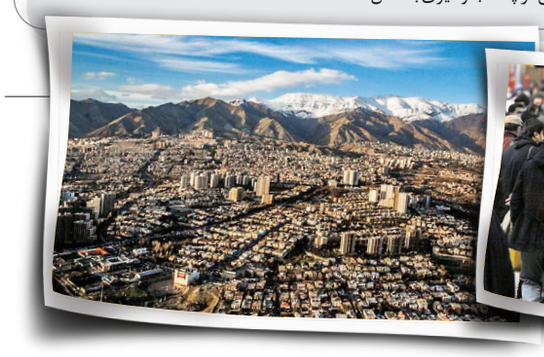

تهران جایگزین ندارد

جنگ و قطعی آب و برق، بحث انتقال پایتخت را دوباره داغ کرده است

جامعه امروز

محمد سرابی
روزنامه‌نگار

در دهه ۴۰ درست زمانی که اصلاحات ارضی و تغییر نظام تولید کشاورزی اندک‌اندک در حال انجام بود امواج مهاجرت از روستاها به حاشیه شهرها شروع شد. در این زمان که پایتخت کمتر از ۳ میلیون نفر ساکن داشت، برخی کارشناسان متوجه شدند که تهران ظرفیت کافی برای جمعیتی که به‌سوی آن می‌آیند، ندارد. مطالعات نخستین طرح جامع تهران در همین سال‌ها انجام و محدوده استقرار کارخانه‌ها در فاصله دورتر از ۱۲۰ کیلومتر تعیین شد ولی مشکل مهاجرت هنوز آنقدر جدی گرفته نمی‌شد که کسی به فکر تغییر پایتخت بیفتد. در دهه ۵۰ شمسی بارها کارشناسان درباره آینده افزایش جمعیت در محدوده پایتخت هشدار دارند. در دهه‌های بعد مشکلات تهران مخصوصا مهاجرپذیری مداوم و افزایش جمعیت آن باعث شد که انتقال پایتخت بارها مطرح و حتی منجر به تصویب قوانینی شود اما هیچ‌وقت به مرحله اجرا نرسید. اکنون رئیس جمهور ایران برای دومین بار در مدت کمتر از یک سال، موضوع بررسی انتقال پایتخت را بیان و سواحل جنوبی را به‌عنوان محل پایتخت جدید اعلام کرده است. به این بهانه نگاهی کرده‌ایم به برخی از سوابق تلاش برای انتقال پایتخت.

۱۳۶۴

موضوع انتقال پایتخت برای رفع تمرکزگرایی و توزیع عادلانه امکانات مطرح شد اما کشور در میانه جنگ تحمیلی ۸ ساله بود و فرصتی برای پرداختن به این امور پیدا نمی‌شد. جمعیت پایتخت آن زمان به حدود ۵ میلیون نفر رسیده بود.

۱۳۶۸

با پایان یافتن جنگ و آغاز برخی طرح‌های توسعه اقتصادی، مطالعاتی نیز زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی برای انتقال پایتخت سیاسی صورت گرفت. برآوردها نشان می‌داد که انتقال پایتخت به مکانی دیگر بین ۱۵ تا ۲۵ سال زمان خواهد برد. در همین سال بود که غلامحسین کرباسچی، استاندار اصفهان به سمت شهردار تهران منصوب شد تا تهران را برای پایتخت ماندن سر و شکلی مناسب ببخشد.

۱۳۸۸

مجمع تشخیص مصلحت نظام طرح انتقال مرکز سیاسی کشور را به یک مکان مناسب به تصویب رساند. دولت احمدی‌نژاد هم در سال ۱۳۹۰ پیشنهاد «انتقال مرکز سیاسی-اداری کشور» و انتقال پایتخت به یکی از استان‌های مرکزی ایران را ارائه داد و تلاش کرد که سازمان گردشگری وقت و وزارت نفت را به استان فارس و خوزستان منتقل کند که هیچ‌کدام به نتیجه نرسید. جمعیت پایتخت در این سال به حدود ۸ میلیون نفر رسیده بود.

۱۳۹۱

طرح انتقال پایتخت با امضای ۱۵۱ نماینده تقدیم مجلس شد و در سال ۱۳۹۲، شورای ساماندهی پایتخت با هدف بررسی امکان انتقال پایتخت تأسیس شد و در نهایت قانون «امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی تمرکززدایی از تهران» در اردیبهشت سال ۱۳۹۴ به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید و ابلاغ شد ولی این مصوبات منجر به نتیجه عملی نشد.

۱۴۰۴

دولت مسعود پزشکیان از بررسی انتقال پایتخت به سواحل جنوبی ایران خبر داد. معاون اول رئیس جمهور هم درباره احتمال انتخاب مکران به‌عنوان پایتخت آینده ایران گفت و سخنگوی دولت نیز موضوع انتقال پایتخت را مطرح کرد. جمعیت شهر تهران بدون شهرهای حاشیه‌ای نزدیک به ۹.۵ میلیون نفر است.

شهرهایی با مشکلات مشابه پایتخت

خطر زلزله، کمبود آب و آلودگی هوا بیشتر گزینه‌های جایگزینی تهران را مردود می‌کند

بسته به اینکه انتقال پایتخت از منظر جمعیت، محیط‌زیست، اقتصاد، زلزله و... اعلام شده باشد، شهر مقصد هم متفاوت است. تنها محدوده‌ای بین استان‌های اصفهان و مرکزی از خطر زلزله دور است و به جاده‌های اصلی دسترسی دارد. تقریبا تمام کلانشهرهای کشور با مشکل کمبود آب، آلودگی هوا و حاشیه‌نشینی روبه‌رو هستند و هیچ‌وقت یک جایگزین کامل برای تهران معرفی نشده است. شاید به همین دلیل است که در آخرین اظهارنظر، نه یک شهر بلکه منطقه جغرافیایی در جنوب کشور را به‌عنوان مقصد جابه‌جایی پایتخت اعلام شده است.

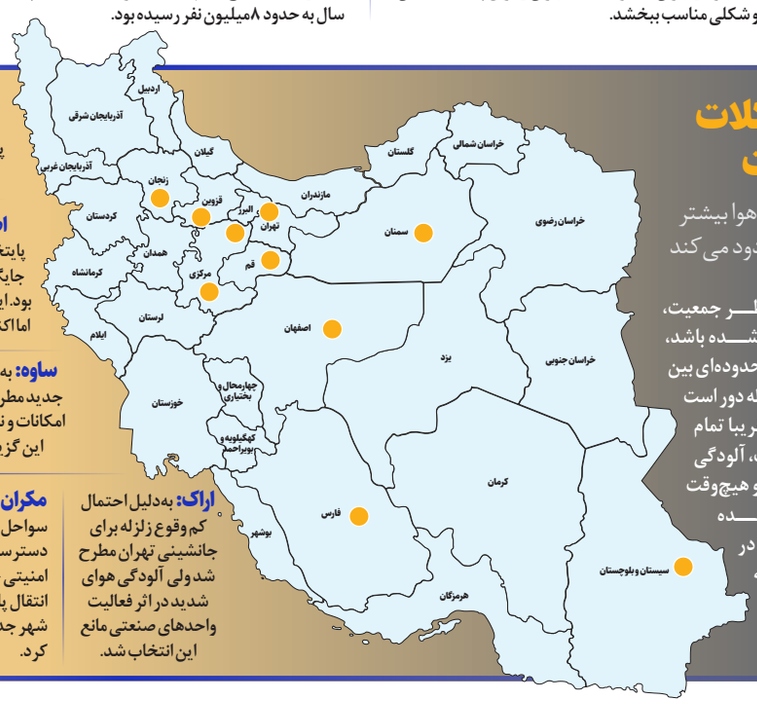

قم: به‌دلیل قرار گرفتن در مرکز هندسی ایران پیشنهاد شد اما با مشکل کمبود آب روبه‌روست.

زنجان: برای انتقال پایتخت مطرح شد؛ زیرا آب و هوا و محیط‌زیست مناسبی دارد ولی زیرساخت‌های شهری آن کافی نیست.

قزوین: در دوره‌ای پایتخت صفویه بود و مسئولان این شهر هم موافق پایتختی دوباره آن هستند اما انتقال پایتخت به آن انجام نگرفت.

اصفهان: به‌دلیل سابقه پایتختی صفویه، بارها به‌عنوان جایگزین تهران پیشنهاد شده بود. این شهر امکانات زیادی دارد اما اکنون درگیر کمبود آب است.

شیراز: به‌عنوان پایتخت در بخش جنوبی کشور و نزدیک به خلیج‌فارس مطرح شد ولی آب کافی ندارد.

سمنان: چندبار به‌عنوان جایگزینی برای پایتخت مطرح شد اما مشکل کمبود آب دارد. انتخاب ۲ رئیس جمهور از این شهر هم بر تصمیم‌گیری مستقل درباره آن تأثیر گذاشت.

ساوه: به‌عنوان پایتخت جدید مطرح شد اما کمبود امکانات و نزدیکی به تهران این گزینه را رد کرد.

پردیس، پرند و هشتگرد: برای انتقال بخشی از ادارات دولتی تهران مطرح شدند اما به مرحله اجرا نرسید. این شهرها فاصله زیادی از تهران ندارند.

اراک: به‌دلیل احتمال کم وقوع زلزله برای جانشینی تهران مطرح شد ولی آلودگی هوای شدید در اثر فعالیت واحدهای صنعتی مانع این انتخاب شد.

مکران: از چابهار تا کنارک، زرآباد و بندرعباس سواحل مکران است که به آب‌های آزاد دسترسی دارد اما در معرض مشکلات امنیتی خاص قرار دارد. درصورت انتقال پایتخت، باید در آن شهر جدید ایجاد کرد.

صفحه‌آرا: مجید اصغری

هشتگ روز

همدلی در دل جنگ

لیلا شریف، روزنامه‌نگار

در میانه روزمرگی‌ها صدایی منتشر شد؛ صدای زنی که با صداقت و درماندگی با یکی از اپراتورهای تلفن همراه تماس گرفته بود تا در دل جنگ ۱۲ روزه، از قطع ارتباط گلایه کند. شاید این تماس در لحظات ابتدایی، یک تماس ساده به‌نظر برسد، اما واقعیت است که انسانیت نهفته در این تماس تلفنی و تلاش برای حمایت از یک هموطن در لحظات انفجار و موشکباران، باعث شد تا کاربران شبکه‌های اجتماعی، این همراهی برخاسته از انسانیت را تشویق کنند.

دختری از شیراز با یک اپراتور تلفن همراه تماس می‌گیرد تا دلیل قطع شدن اینترنت تلفن همراهش را جویا شود. هنوز لحظاتی از شروع گفت‌وگو نگذشته بود که صدای انفجار به هراس و اضطراب در میان کلمات تبدیل می‌شود؛ درست در این لحظات است که انسانیت بروز پیدا می‌کند. صدای آن سوی تلفن که تا لحظاتی قبل همچون تمام اپراتورها، ماشین‌وار کلماتی را برای احراز هویت و ثبت اطلاعات پیگیری می‌کرد، به صدایی خواهرانه تبدیل می‌شود تا دختر را آرام کند.

کلمات رد و بدل شده میان دو طرف، نشان می‌دهد که دختر اهل شیراز در خانه تنهاست، این ترس و بی‌پناهی کافی بود تا اپراتور دیگر نه در قامت یک نیروی کار نشسته پشت میز، بلکه به‌عنوان یک هموطن از هر راهی برای آرامش دختر تنها استفاده کند و از او بخواهد تا در لحظاتی که صدای انفجار، ترس را به رگ‌هایش تزریق کرده، در جایی پناه بگیرد و آرام باشد. خیالش را راحت می‌کند که اتفاق بد تمام شده و آرام باشد.

در این لحظات است که انسانیت پررنگ می‌شود؛ تماسی که می‌توانست مانند هر تماس دیگری براساس آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اداری پیش برود، این بار با تکیه بر ندای قلب یک انسان رقم خورد و اپراتور تلاش کرد تا برخلاف روال عادی، زمینه را برای تماس تلفنی این دختر تنها با خانواده‌اش مهیا کند تا شاید صدای گریان و نگرانش آرام بگیرد. همین لحظه ساده، همین تماس کوتاه، موجی از واکنش‌های احساسی و همدلانه را در شبکه‌های اجتماعی به‌راه انداخت. سهند ایرانمهر، یکی از کاربران شناخته شده در شبکه‌های اجتماعی در این رابطه نوشت: «در روزهایی که بمب‌ها زبان می‌گشایند و تپش قلب‌ها از ریتم می‌افتد، این صداهای ناب فارغ از دستورالعمل است که انسان و وطن را سرپا نگه می‌دارد.»

یزله عراقی‌ها برای زائران ایرانی

امسال، زائران ایرانی که برای اربعین راهی عراق شده‌اند، روایت‌های متفاوتی از محبت این همسایه ایران را ثبت کرده‌اند؛ چراکه در کنار تکریم زائر امام حسین(ع) در روزهای اربعین، ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی هم دلیلی برای محبت بیشتر میزبانان عراقی شده است. نمونه این مهربانی را می‌توان در ویدئویی یافت که با یزله‌خوانی عراقی‌ها در یک موکب برای زائران ایرانی گره خورده است. دسته‌ای از مردان پیر و جوان عراقی به سنت قدیمی‌شان برای نشان دادن ارادت خود به زائران ایرانی، در یک موکب دست به یزله (هوسه) می‌زنند و با سبک خاص و صدای بلند تکرار می‌کنند: «امروز زائری را تکریم می‌کنیم که اسرائیل را به گریه انداخته است.»

آب، مهریه دارم

چطور آب قنات‌های یک روستا، مهریه زنان شد و ارزشی بیشتر از طلا و سکه دارد

گزارش

فهیمه طباطبایی
روزنامه‌نگار

قنات هنوز برایشان حکم گنج دارد و آبی که از آن بیرون می‌آید، حکم طلا. هر قطره‌اش اندازه یک گرم طلا ارزش دارد و آنها خوب قدر این گنجینه را می‌دانند؛ آنقدر که آب را مهریه زنانشان می‌کردند تا پشت و پناه یک عمر زندگی‌شان باشد. خیلی از قنات‌ها خشک شده و صدای آب از آنها بیرون نمی‌آید. قنات‌هایی هم که زنده مانده‌اند، آنقدر لایروبی نشده‌اند و اگر بارندگی فصلی نباشد، جانی ندارند که باغ‌های انار را آب دهند، اما هنوز زنان روستا دلخوشند به مهریه‌ای که در سند ازدواج‌شان است و از آن مراقبت می‌کنند. حاج شوکت از زنان روستای کچو مثقال از توابع اردستان می‌گوید: «تا همین ۴۰ سال پیش آب را مهریه زنان می‌کردند؛ هرچه عروس عزیزتر، آبی که پشت قباله ازدواجش می‌انداختند، بیشتر و الان زن‌های اینجا از آب تمام قنات‌های روستا مهر دارند.»

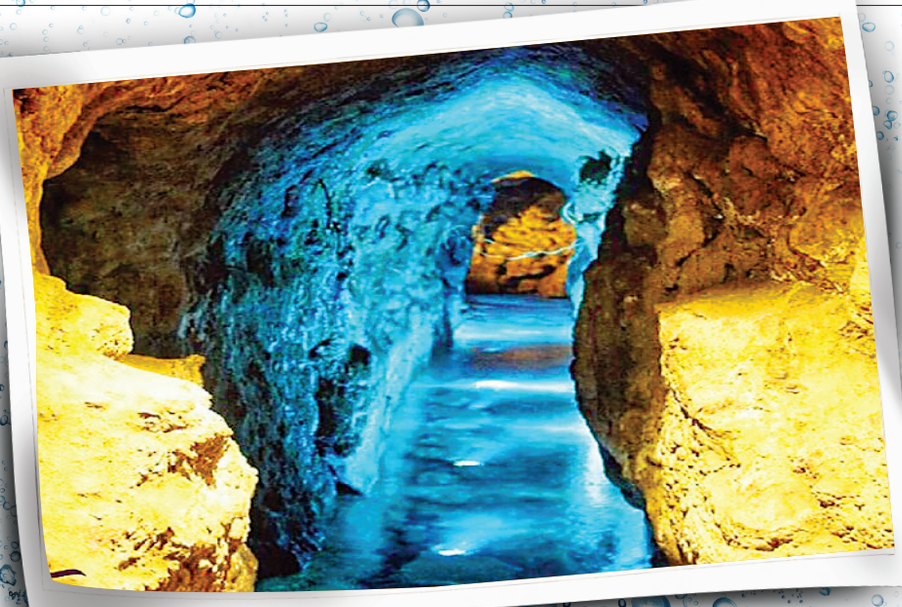

مهریه‌ام از ۵ قنات است

بتول، فروردین سال ۱۳۵۶ در روستای کچو مثقال اردستان با پسرخاله‌اش ازدواج کرده است. در مهریه‌اش خبری از سکه نیست، اما آب هست و در سند ازدواجشان ثبت شده است. بتول می‌گوید: «ارزش آب آنقدر بالا بود که اگر عروسی در مهریه‌اش آب نداشت، بی‌ارج و قرب بود. در روستاهای اطراف ما مهریه به عروس ملک می‌دادند، حالا هر کس به اندازه توانش، ۲ دانگ خانه یا باغچه و باغ و حتی زمین کشاورزی، آن موقع خبری از سکه نبود؛ یا این چیزها را مهر می‌کردند یا طلا. در کنار آن باید آب هم مهر می‌کردند؛ آبی که از قنات‌های روستا سرچشمه می‌گرفت. حتما هم آن را در قباله یا سند ازدواج می‌نوشتند که ثبت رسمی شود. الان مهریه من یک سرق آب از ۵ رشته قنات روستاست؛ یعنی ۵ تا ۱۳.۵ دقیقه روزانه از ۵ قنات «لب جوق، وایسون و رازونچه و ۲ تا از سرابه» که ثبت شده و هنوز هم برای آبیاری باغچه اناری که دارم از آن استفاده می‌کنم.»

او می‌گوید: «قبل از نسل ما هم این رسم بود و آب آنقدر ارزش داشت که مهریه می‌کردند و روی آن تأکید داشتند. مادر من یا مادربزرگم هم آب مهریه‌شان بود و تا روز آخر زندگی‌شان حواسشان بود که کسی به آن دست‌درازی نکند؛ چون در روستاهای کویری که همیشه با خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کردند، آب مسئله بود و آن که آب داشت، یعنی اوضاعش خوب بود.»

ارزش آب از سکه بیشتر بود

حاج محترم، ۸۳ ساله دارد. او هم مثل اکثر زنان روستای کچو مثقال، آب در مهریه‌اش هست؛ «پدر عروس هر جور شده آب را به‌عنوان مهریه می‌گرفت؛ چون آب حکم طلا را داشت. از سکه که الان می‌گیرند بیشتر ارزش داشته و دارد. هر یک قطره آب قنات‌های روستا آنقدر برای مردم مهم بود که سالی چندبار آن را لایروبی می‌کردند؛ مثل الان نبود که قنات‌ها را به حال خودشان رها کنند و کسی به آنها نرسد.» تقریبا تمام ۲۴ ساعت قنات‌های روستا مهریه زنان آنجاست و به قول خودشان پشت قباله هر کدام، آب یک یا چند رشته قنات هست که به مرور به نسل‌های بعدی منتقل شده است.

آب عزیز بود

اشرف، ۷۲ ساله یکی از کسانی است که یک سرق آب از ۵ قنات روستای کچومثقال را در سند ازدواج خود دارد. او می‌گوید: «اصلا اگر کسی آب نمی‌خواست مهریه کند، دختر به او نمی‌دادند. فکر نکنم در دوره ما کسی باشد که در مهریه‌اش آب نداشته باشد. آب همیشه عزیز بود، الان هم هست. فکر نکنم کسی اندازه مردم در کویر قدر و منزلت آب را بداند. اینجا قنات‌ها تا همین ۲۰ سال پیش آنقدر مهم و باارزش بودند که مردم از نان شب‌شان می‌زدند تا قنات‌ها سر پا بمانند. شبانه‌روز برای لایروبی قنات‌ها تلاش می‌کردند تا بتوانند آب مصرف روزانه و کشاورزی را تامین کنند؛ نه مثل الان که آنها را به حال خود رها کرده‌اند.»

دولت به فکر احیای قنات‌ها باشد

مردان روستا به کمک مقنی‌هایی که از یزد می‌آمدند، قنات‌ها را هر سال لایروبی می‌کردند تا نخشکند و آب‌شان قطع نشود؛ قنات‌هایی که هنوز هم در کچو، زواره و اردستان و... هست، اما دیگر لایروبی نمی‌شوند. مهدی جعفریان که در سال‌های اخیر تلاش کرده یکی از قنات‌های روستا را زنده کند، می‌گوید: «لایروبی هر قنات هزینه بالایی دارد و از طرفی تخصص می‌خواهد اما شدنی است. ای کاش دولت‌ها به جای هزینه انتقال آب از دریا و... کاری کنند که این قنات‌ها زنده شوند.»

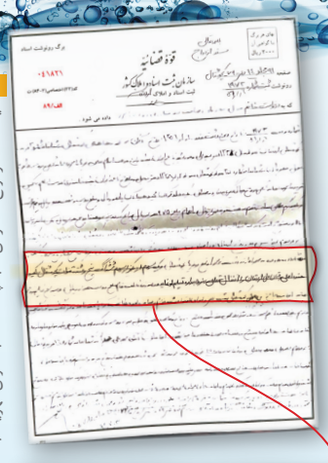

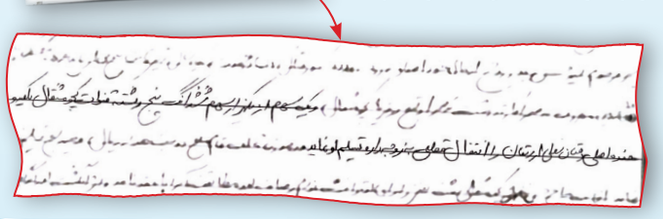

یک سند ازدواج که در آن، آب چند قنات به‌عنوان مهریه ثبت شده است.